

دادرسی عادلانه در مرحله ابتدایی، معیارها و ضمانت‌های اجرا

اسدالله ناصری کریموند^۱ سیدیزدالله طاهری نسب^{۲*} محسن شکرچی زاده^۳

چکیده:

رعایت اصل برائت و اصل قانونی بودن جرم و مجازات لازمه احترام به شأن و کرامت انسانیت و رعایت این اصول در رسیدگیها یک دادرسی عادلانه را در پی خواهد داشت و ضامن حقوق و آزادیهای شهروندان است که علاوه بر حفظ نظم اجتماع مانع از مجازات بی گناهان و یا مجازات مضاعف مجرمین می گردد. لذا، توجه به اصول دادرسی عادلانه در مرحله تحقیقات ابتدایی از اهمیت بسیاری برخوردار است. دادرسی عادلانه حقوقی را برای افرادی که در دادرسی کیفری دخیل هستند، به خصوص متهم ایجاب می نماید که این حقوق، حقوق اعطایی به ایشان نیست، بلکه حقوق ذاتی آنان است. این حقوق در اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای مورد تأکید کشورها و سازمانها قرار گرفته و مقنن داخلی نیز بایستی این معیارها را مد نظر قرار داده و اعمال نمایند که بررسی تحولات اخیر قانونگذاری از جمله قانون احترام به آزادیهای مشروع و حفظ حقوق شهروندی نشانه‌ای از تلاش قانونگذار جهت تطبیق مقررات داخلی با این معیارهاست. در نظام عدالت کیفری ایران، برخی معیارها و ضوابط دادرسی عادلانه، نظیر فرض برائت دارای قدمتی طولانی هستند؛ اما برخی دیگر، نظیر لزوم اطلاع‌رسانی به متهم و خانواده وی، اعلام حق سکوت، اعلام حق داشتن وکیل و لزوم معقول بودن مهلت بازداشت چندان مورد توجه مقنن واقع نشده‌اند. در مقاله حاضر سعی شده با استفاده از اسناد و الزامات بین‌المللی، ضمن معرفی معیارها و ضوابط دادرسی منصفانه ناظر به مرحله تحقیقات ابتدایی، وضعیت حقوقی کشورمان در این خصوص تبیین شود و خلأها و نقص‌های موجود نیز به همراه راهکارهای پیشنهادی اعلام گردند.

واژگان کلیدی: تحقیقات ابتدایی، دادرسی عادلانه، اصل برائت، حقوق اشخاص.

* دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، گروه حقوق، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد ایران.

** استادیار حقوق کیفری و جرم‌شناسی، گروه حقوق، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد ایران. (نویسنده

مستول) sy.taherinasab@gmail.com

*** استادیار حقوق کیفری و جرم‌شناسی، گروه حقوق، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد ایران.

مقدمه

مطابق با رویه دادگاه اروپایی حقوق بشر اروپایی، دادرسی عادلانه، دادرسی است که کلیه اصول و قواعد حاکم بر یک دادرسی سالم و منطبق با فرامین قانونی رعایت گردیده و از این حیث، تمام حقوق اشخاص داخل در دعوا یا پرونده حفظ و تأمین گردد. اولین هدف (تلاش در جهت حفظ و یا اعاده نظم عمومی) در مکاتب فکری قدیمی‌تر، هدف اولیه و به عبارتی، تنها هدف حقوق کیفری را تشکیل می‌داده است. اما امروزه به موجب آموزه‌های جدیدتر حقوق کیفری، این هدف حقوق جزا حدت و شدت خود را از دست داده و دیگر قانونگذار کیفری نمی‌تواند به بهانه حفظ نظم عمومی تمام قیود را نادیده انگارد و آزادی‌های فردی و حقوق انسانی متهم یا حتی محکوم را لگدمال سازد، بلکه باید شرایط را به گونه‌ای تنظیم کند که از همان ابتدای طرح دعوی کیفری، نماینده جامعه در تعقیب جرم (دادستان و سایر اعضای دادسرا) و فرد متهم، با سلاح‌های مساوی و شرایط برابر به نبرد قضایی بپردازند (بولوک، ۱۳۷۷: ۲۸-۹).

بدیهی است هرچند جامعه در این مسیر گام بردارد، عملاً تحقق کامل اصل تساوی سلاح‌ها امری ناممکن است، زیرا یک طرف دعوی کیفری (نهاد دادسرا) مجهز به کلیه وسایل کشف جرم و برخوردار از نیروی انسانی بسیار و امکانات و تجهیزات عمومی بی‌شمار است و قدرت و هیمنه او نیز منحصر به مرزهای جغرافیایی کشور نیست و از طریق قراردادهای بین‌المللی معاضدت قضایی و استرداد مجرم، قادر است متهم را در هر گوشه دنیا به محضر دستگاه قضایی فرا بخواند و عمل او را مورد رسیدگی قرار دهد و در عین حال، در برابر اعمال خود مسئولیت اساسی نداشته باشد. اما در طرف دیگر، فردی قرار دارد که اغلب اوقات از ضعیف‌ترین اقشار جامعه است و همین ضعف و ناتوانی در برابر محرک‌ها و عوامل اجتماعی بوده که او را به ورطه ارتکاب جرم کشانده است و در مواردی نیز عوامل طبیعی و خارج از اراده، نظیر ابتلائات جسمانی و یا بیماری‌های روانی، زمینه کجروی او را فراهم آورده‌اند.

به طور خلاصه می‌توان گفت دادرسی زمانی عادلانه است که بتواند به حفظ توازن میان مصالح جامعه و متهم پردازد و متهم در شرایطی کاملاً آزاد و در حالی که از تمامی تضمین‌های لازم برای دفاع برخوردار است، مورد محاکمه واقع شود (امیدی، ۱۳۸۸: ۱۳۲). در عین حال، باید بر این نکته تأکید کرد که در یک فرایند کیفری صرفاً متهم و دادستان حضور ندارند، بلکه بزه‌دیده از جرم، شهود و مطلعان نیز جزئی از این فرایند هستند. لذا، برای این که یک دادرسی کیفری به نحو عادلانه انجام شود، باید دارای معیارها، اصول و قواعدی باشد که حقوق کلیه طرفین درگیر در دعوی کیفری را تضمین و رعایت کند.

این اصول امروزه در معتبرترین اسناد بین‌المللی مورد توافق جامعه جهانی قرار گرفته‌اند. برخی

از این اسناد در حد اعلامیه و بیانیه و برخی دیگر متون لازم‌الاجرائی هستند که به علت الحاق و تصویب آن‌ها از طرف دولت‌ها در زمره قوانین داخلی قرار گرفته‌اند و یا عیناً و گاهی با بسط و توسعه بیش‌تر در قوانین آیین دادرسی کیفری کشورها وارد شده‌اند. مقاله حاضر با رویکرد فوق صرفاً درصدد بررسی تضمینات و معیارهای دادرسی عادلانه است و در این میان، تأکید ویژه‌ای بر حقوق مظنون و متهم داشته است. این مرحله از دادرسی کیفری (تحقیقات ابتدایی) در مقایسه با سایر مراحل از اهمیت بسزایی برخوردار است؛ زیرا در این مرحله از یک سو هنوز مجرمیت شخص احراز نشده و لذا، باید همانند سایر مراحل یک فرایند کیفری، اصل برائت سرلوحه هر اقدام قضایی باشد و از سوی دیگر، پایه یک پرونده کیفری در همین مرحله شکل می‌گیرد. منظور از تحقیقات ابتدایی در این مقاله، کلیه اقدامات تعقیبی و تحقیقی قبل از رسیدگی در دادگاه است، اعم از این که این اقدامات توسط مقامات پلیس و ضابطان دادگستری انجام شود و یا توسط مقامات دادسرا نظیر بازپرس و دادستان.

ما ضوابط و معیارهای دادرسی عادلانه ناظر به مرحله تحقیقات ابتدایی را در دو مبحث بررسی شد. در مبحث اول، اصول و ضوابط ناظر بر حق آزاد بودن و ضوابط سلب این حق را مطرح کرده و در مبحث دوم، «اصول و ضوابط ناظر به حق دفاع در مرحله تحقیقات» را مورد بررسی قرار داده‌ایم.

۱ - حق آزاد بودن؛ اصول و ضوابط ناظر بر آن و ضوابط سلب این حق

پیش از محاکمه ممکن است متهم برخلاف اصل برائت از حقوق بنیادین، نظیر حق آزادی رفت و آمد محروم شود و یا به موجب قرارهای کنترل قضایی، قسمتی از حقوق و آزادی‌های خود را از دست بدهد. از آنجا که این مرحله از رسیدگی کیفری، اهمیتی بسزا در شکل‌گیری پرونده و نتایج بعدی خواهد داشت و در عین حال، در این مرحله، امکان اعمال فشار، تهدید و حتی شکنجه از سوی پلیس و مقامات دادسرا به منظور اخذ اقرار وجود دارد، طبیعی است که مقنن باید توجه بسیار زیادی به این مرحله معطوف دارد و حقوق متهم در این مرحله را به صورت جزئی و دقیق بیان و برای تضمین آنها ضمانت اجرا تعیین کند. به منظور برقراری توازن میان شرایط مقامات تعقیب و متهم و تلاش در جهت تساوی سلاح‌های طرفین، لازم است متهم در برابر مقامات مذکور از حقوقی بهره مند شود و امکاناتی جهت دفاع از خود در اختیار داشته باشد. اهم این حقوق عبارتند

از:

۱-۱ - حق آزاد بودن

یکی از حقوق بنیادین بشر این است که آزادی رفت و آمد داشته باشد. این حق در اسناد مهم بین‌المللی نیز به رسمیت شناخته شده است که از جمله می‌توان به ماده ۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر، ماده ۹ میثاق حقوق مدنی و سیاسی، ماده ۹ منشور آفریقایی و ماده ۵ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر اشاره کرد. یکی از بارزترین مصادیق آزادی، آزادی تردد و رفت و آمد است. اما گاهی مقامات قضایی با صدور قرار بازداشت عم موجب زندانی شدن متهم در تمام مدت تحقیقات مقدماتی و یا در قسمتی از آن می‌شوند. بازداشت، اقدامی بسیار شدید علیه آزادی فردی و مخالف با فرض برائت است؛ زیرا قبل از تعیین کیفر توسط دادگاه صالح، متهم عملاً در حال تحمل مجازات است. از سوی دیگر، قرار بازداشت آثار سوئی بر اجرای عدالت دارد، به گونه‌ای که قضات کمتر رغبت به صدور رأی برائت شخصی که مدتی را در بازداشت گذرانده نشان می‌دهند و برای عدم تکذیب بازپرس، تمایل به انتخاب مجازاتی دارند که لااقل مدت آن با طول بازداشت موقت، مساوی باشد و در صورت طولانی بودن آن، به سادگی از تعلیق اجرای مجازات و جایگزین‌های حبس استفاده نمی‌کنند. این وضعیت هنگامی شدیدتر می‌شود که در صورت اعلام بی‌گناهی شخصی که مدت طولانی در بازداشت بوده، قوای عمومی مکلف به پرداخت خسارت به چنین شخصی باشند. هم‌اکنون آشکار است که تعلیق مجازات کسانی که دوران تحقیقات مقدماتی را در بازداشت به سر برده‌اند، به فرض اعطای تعلیق از سوی دادگاه، مغایر با علت تعلیق و فاقد آثار مطلوب آن به ویژه در مورد جوانان و نوجوانان است. همچنین، ترس از بازداشت نزد بسیاری از افراد از جمله عوامل مهمی است که می‌تواند از تکرار جرم و «انحراف ثانوی» آنان ممانعت به عمل آورد؛ لکن، این ترس بر اثر زندانی شدن در طول بازداشت موقت که می‌تواند در برخی موارد بسیار طولانی باشد، نه تنها فرو می‌ریزد، بلکه متهم در توقیف‌گاه (که متأسفانه در بسیاری از کشورها از نظامی متفاوت با زندان محکومان تبعیت نمی‌کند، بر اثر مؤانست با سایر زندانیان، ویژگی‌های مثبت شخصیتی و خاصیت اصلاح‌پذیری خود را نیز از دست می‌دهد. بازداشت موقت بر حق دفاع متهم نیز آثار سوئی داشته، او را از دسترسی آزاد به اطلاعات حقوقی، و استفاده از مشاوره وکیل دادگستری محروم می‌کند و به او اجازه تدارک دفاعی معقول و منطقی نمی‌دهد.

۱-۱-۱ - ضرورت توجیه قرار بازداشت موقت

مقام قضایی ذیصلاح برای اصدار قرار بازداشت موقت باید مکلف به توجیه قرار بازداشت صادر شده باشد و در قرار خود دلایل صدور قرار را ذکر کند تا در صورت اعتراض متهم به این قرار و

تجدیدنظرخواهی از آن، دلایل مذکور در مرحله بالاتر مورد ارزیابی قرار گیرد.

۱-۱-۲- خودسرانه نبودن بازداشت

صدور قرار بازداشت موقت باید صرفاً در اختیار مقام قضایی باشد و ضابطین دادگستری و مقامات اداری دستگاه عدالت کیفری از چنین اختیاری برخوردار نیستند والا چنین بازداشتی خودسرانه است. عدم رعایت تشریفات قانونی باید به بطلان قرار بازداشت و مجازات مقام صادرکننده منجر شود؛ زیرا همان گونه که قبلاً بیان شد، این قرار به محرومیت اشخاص از حق آزادی منجر می‌شود که علی‌الاصول این مجازات شدید متعاقب یک رسیدگی و با تصمیم یک مقام قضایی انجام می‌شود.

۱-۱-۳- مقام صالح

از آن جا که قرار بازداشت منجر به سلب آزادی شخص می‌شود و از لحاظ آثار، شبیه به احکام قضایی است، قطعاً مقام صادرکننده آن باید یک مقام قضایی باشد. حال سخن بر سر این است که این مقام قضایی چه کسی باید باشد: دادستان، بازپرس، قاضی پرونده یا مقامی دیگر؟ در این زمینه، قوانین کشورها راههای مختلفی را تجربه کرده‌اند. به موجب کد ۱۸۰۸ ناپلئون، اختیارات قاضی تحقیق (بازپرس) در زمینه بازداشت و آزادی اشخاص به اندازه‌های بود که ناپلئون، قاضی تحقیق را پس از خود مقتدرترین شهروند فرانسوی تلقی می‌کرد (آشوری، ۱۳۷۹:۹۲). رفته‌رفته، تحت تأثیر افکار آزادی خواهانه و حقوق بشری، اختیار بازپرس در این زمینه محدودتر شد. به موجب اصلاحات بعدی قانون آیین دادرسی کیفری، مرحله صدور قرار بازداشت موقت رنگ و بوی ترافعی به خود گرفت و بازپرس مکلف شد هنگام بازداشت شخص، به او اطلاع دهد که حق استفاده از یک مشاور انتخابی یا انتصابی را دارد و نیز مهلتی برای تهیه دفاع به او بدهد. تصمیم بر بازداشت موقت باید در جلسه‌ای اتخاذ شود که در آن، وکیل انتخابی یا تسخیری متهم حضور داشته باشد و دلایل خود را ارائه کند و دادستان نیز درخواست‌های خود را مطرح سازد.

در حقوق ایران در سالهای اخیر و قبل از احیای دادرسی، بر اساس ماده ۳۳ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری، قرار بازداشت موقت توسط قاضی دادگاه صادر و به تأیید رئیس حوزه قضایی محل یا معاون وی می‌رسید. به موجب تبصره این ماده، چنانچه رئیس حوزه قضایی که اصولاً رئیس شعبه اول نیز بود، قرار بازداشت صادر می‌کرد و یا اگر قرار بازداشت توسط قاضی شعبه صادر می‌شد و حوزه قضایی فاقد رئیس بود، در صورت اعتراض متهم پرونده به دادگاه تجدیدنظر ارسال می‌گردید تا در صورتی که دادگاه تجدیدنظر اعتراض متهم را وارد تشخیص دهد، قرار بازداشت موقت را نقض و پرونده به منظور اخذ تأمین مناسب دیگر به

دادگاه صادرکننده قرار اعاده گردد. علاوه بر مقامات فوق، بر اساس ماده ۳۴ همین قانون، قاضی تحقیق نیز می‌توانست در تمام مراحل تحقیقات، قرار بازداشت متهم را صادر کند که در اینصورت باید ظرف مدت ۲۶ ساعت پرونده را برای اظهارنظر نزد قاضی دادگاه ارسال می‌کرد که در صورت موافقت دادگاه با قرار بازداشت موقت و اعتراض متهم برابر ماده ۳۳ اقدام می‌شد. در این مقطع، در نظام حقوقی ایران به دلیل ادغام مراحل سه‌گانه «تعقیب»، «تحقیق» و «رسیدگی» و یکی شدن مقام تحقیق و رسیدگی، به موجب قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب، امکان رعایت بی‌طرفی از جانب مقام قضایی که وظیفه تحقیق را نیز بر عهده داشت، از بین رفته بود؛ زیرا برای قاضی دادگاه که حین تحقیقات در مورد پرونده و شخص متهم به نتیجه‌گیری خاصی رسیده است، عملاً این امکان وجود ندارد که با بی‌طرفی به دستاوردهای تحقیق خود نگاه کند. اکنون که با احیای سیستم دادرسی و دادگاه به موجب قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب (۱۳۸۱)، سعی بر آن بوده است که از اختلاط مراحل تعقیب، تحقیق و رسیدگی جلوگیری شود، در مورد بازداشت موقت نیز مناسب بود که سیستم به گونه‌ای طراحی شود که یک قاضی بی‌طرف بتواند در پایان تحقیقات مقدماتی انجام شده توسط بازپرس، در جلسه‌ای به صورت توافقی، تصمیم خود را مبنی بر لزوم یا عدم لزوم بازداشت موقت اعلام کند.^۱

۱-۲- حقوق اشخاص بازداشت شده

هرگاه فردی علی‌رغم توصیه‌های فوق‌الذکر و به صورت استثنایی در مرحله تحقیقات مقدماتی بازداشت شد، تنها محدودیتی که جامعه علیه او می‌تواند اعمال کند، همان سلب آزادی تردد او است و بازداشت موقت نباید به گونه‌ای باشد که سایر حقوق انسانی این فرد از بین برود و یا به حقوق دفاعی او لطمه وارد آید. به همین علت در این مرحله، وظیفه مقامات تعقیب و تحقیق باید به گونه‌ای باشد که اولاً، مانع اجرای حقوق متهمین در بازداشت نشوند و ثانیاً، موظف باشند که حقوق این اشخاص را به آن‌ها اعلام و تفهیم کنند. مهم‌ترین این حقوق به قرار زیرند:

۱. هم‌اکنون اختبارات بازپرس و دادستان در صدور و اجرای قرار بازداشت موقت و نحوه نظارت قضات دادگاه بر آن تقریباً مشابه با وضعیتی است که در قانون آیین دادرسی کیفری قبل از دادگاههای عمومی، لازم‌الاجرا بود. نحوه صدور قرار بازداشت و اعتراض به آن در ماده ۳ قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب (اصلاحی ۱۳۸۹/۷/۲۸) آمده است.

^۱ هم‌اکنون اختبارات بازپرس و دادستان در صدور و اجرای قرار بازداشت موقت و نحوه نظارت قضات دادگاه بر آن تقریباً مشابه با وضعیتی است که در قانون آیین دادرسی کیفری قبل از دادگاههای عمومی، لازم‌الاجرا بود. نحوه صدور قرار بازداشت و اعتراض به آن در ماده ۳ قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب (اصلاحی ۱۳۸۱/۰۷/۲۸) آمده است.

۲. در لایحه جدید آیین دادرسی کیفری نیز علی‌رغم آنکه تلاش بر آن بوده است که موارد صدور قرار بازداشت موقت را محدود سازند، همچنان بازپرس مرجع صدور قرار بازداشت موقت است. البته، دادستان نیز باید در مورد قرار مذکور موافقت خود را اعلام کند و الا حل اختلاف بر عهده دادگاه خواهد بود. متهم نیز ظرف ده روز می‌تواند نسبت به قرار مذکور به دادگاه صالح اعتراض کند (ر.ک: مواد ۱۲۳ / ۱۶۹ به بعد لایحه آیین دادرسی کیفری). بازداشت، تنها محدودیتی که جامعه علیه او می‌تواند اعمال کند، همان سلب آزادی تردد او است و بازداشت موقت نباید به گونه‌ای باشد که سایر حقوق انسانی این فرد از بین برود و یا به حقوق دفاعی او لطمه وارد آید. به همین علت در این مرحله، وظیفه مقامات تعقیب و تحقیق باید به گونه‌ای باشد که اولاً، مانع اجرای حقوق متهمین در بازداشت نشوند و ثانیاً، موظف باشند که حقوق این اشخاص را به آنها اعلام و تفهیم کنند. مهمترین این حقوق به قرار زیرند:

۱-۲-۱- حقوق اشخاص در بازداشت از حیث اطلاع‌رسانی به آنها

شخص بازداشت شده باید فوراً از دلایل بازداشت خود مطلع شود. همچنین، از حقوق خود در حین بازداشت نیز آگاه گردد. این حقوق از جمله شامل حق استفاده از مشاوره حقوقی خواهد بود. متهمین همچنین باید فوراً از اتهامات وارد علیه خود آگاه شوند. این اطلاع‌رسانی از این بابت که به متهم امکان می‌دهد که در مورد منشأ بازداشت خود طرح دعوا کند و یا به او اجازه می‌دهد دفاعیات متناسبش را تهیه کند، اساسی و بنیادین به حساب می‌آید.

۱-۱-۲-۱- حق متهم در اطلاع فوری از دلیل بازداشت و اتهامات خود

یکی دیگر از حقوق متهمان در بازداشت این است که سریعاً از اتهامات وارد و دلایل بازداشت خود مطلع شوند. مهم‌ترین اثر اطلاع دادن فوری به متهم راجع به دلایل توقیف یا بازداشت این است که به او امکان می‌دهد تا در مورد قانونی بودن یا نبودن بازداشت خود مناقشه کند. به همین علت باید اطلاعاتی که در مورد دلایل بازداشت به متهم ارائه می‌شود، دقیق و جزئی باشند؛ به گونه‌ای که توصیف مشخصی از مبانی قانونی یا واقعی بازداشت خود را بدانند. کمیته حقوق بشر در جایی که به متهم در زمان بازداشت صرفاً در این حد اعلام شده است. که او در ارتباط با تحقیقات مربوط به یک مورد قتل عمدی بازداشت گردیده و در طول چندین هفته، از جزئیات دلایل بازداشت خود اطلاعی نداشته، به گونه‌ای که وقایع مربوط به جنایتی را که به خاطرش بازداشت شده، به او اطلاع نداده بودند و او از هویت قربانی جرم نیز هیچ اطلاعی نداشته، نقض بند ۲ ماده ۹ میثاق بین‌المللی حقوقی مدنی و سیاسی اعلام کرده است (کلی^۱، ۱۹۷۸).

^۱. Kelly

مشابه همین بحث را دادگاه اروپایی حقوق بشر مطرح کرده است که: ماده (۲) ه کنوانسیون اروپایی به این معنا است که باید برای شخص بازداشت شده با زبانی ساده که درک کند و نه زبان تکنیکی و پیچیده، نکات اساسی حقوقی و واقعی علت بازداشت او شرح داده شود، به گونه‌ای که اگر او بازداشت خود را نامناسب یافت، علیه آن طرح دعوا کند (تجدید نظر بخواهد) (فوکس و همکاران^۱، ۱۹۹۰)

به موجب بند ۲ ماده ه کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، شخص بازداشت شده باید فوراً از دلایل بازداشت خود آگاه گردد. اصطلاح «فورا»، معمولاً به نحوی مضیق تفسیر می‌شود؛ هرچند که تأخیرهای جزئی قابل اغماض است. دادگاه اروپایی حقوق بشر نیز گفته است تأخیر چند ساعتی بین زمان بازداشت و زمان بازجویی را - که در آن فرد از دلایل بازداشت خود آگاه می‌شود - نمی‌توان کوتاهی در اعمال مهلت زمان مقرر در ماده به کنوانسیون دانست (فوکس و همکاران، ۱۹۹۰).

در نظام حقوقی ایران، این حق در اصل سی و دوم قانون اساسی به این شرح ذکر شده است: «... در صورت بازداشت، موضوع اتهام باید با ذکر دلایل بلافاصله کتباً به متهم ابلاغ و تفهیم شود و حداکثر ظرف مدت بیست و چهار ساعت پرونده مقدماتی به مراجع صالحه قضایی ارسال و مقدمات محاکمه در اسرع وقت فراهم گردد. ماده ۲۶ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری نیز مقرر داشته است: «... چنانچه در جرائم مشهود، بازداشت متهم برای تکمیل تحقیقات ضروری باشد، موضوع اتهام باید با ذکر دلایل، بلافاصله و کتباً به متهم ابلاغ شود...». در اینجا ملاحظه می‌گردد که مقنن پیش‌بینی کرده است که صرفاً موضوع اتهام به صورت کتبی، فوری و با ذکر دلایل به متهم ابلاغ شود.

در ماده ۱۲۹ این قانون نیز همین مضامین به عنوان تفهیم اتهام به متهم آمده، در حالی که از اعلام دلایل تحت نظر قرار گرفتن یا بازداشت، به متهم ذکری به میان نیامده است. لذا، به منظور رعایت حقوق متهم و با این هدف که او بهتر بتواند از حق تجدید نظر خود در مورد قرار بازداشت استفاده کند، باید مقامات قضایی را مکلف کرد که دلایل بازداشت متهم را به او اعلام کنند؛ کما اینکه دستور ماده ۳۷ همین قانون در موجه بودن قرارهای بازداشت اصداری مؤید این معنا است که باید توجه قرار در خود قرار ذکر شود و نسخه‌ای از آن به متهم ابلاغ شود. از سوی دیگر نیز اصطلاحاتی چون «در اسرع وقت» و یا «بلافاصله» کلماتی مبهم هستند که امکان سوءاستفاده از

^۱. Fox et al

آنها وجود دارد. لذا، مقنن باید زمانی دقیق را مشخص سازد.^۱

۱-۲-۱-۲- ضرورت آگاه ساختن شخص بازداشت شده از حقوقش

اصولاً شرط اعمال هر حق، اطلاع داشتن از وجود آن حق است. متهمان نیز از این قاعده مستثنا نیستند. هرگاه فردی متهم به ارتکاب جرمی شود، اما به موجب یکی از قرارهای کنترل قضایی از بازداشت رهایی پیدا کرده باشد، خود می‌تواند با مراجعه به وکیل یا مشاور حقوقی از حقوقش در مرحله تحقیقات مقدماتی و یا مرحله رسیدگی آگاه شود؛ اما فرد در بازداشت عملاً از چنین امکانی برخوردار نیست و لذا، باید مقاماتی که هنگام بازداشت با متهم مرتبط هستند، او را از حقوق قانونی خویش آگاه سازند.

۱-۲-۱-۳- اعلام حق انتخاب وکیل

یکی از مهم‌ترین حقوقی که شخص در بازداشت نیازمند دانستن آن است، حق انتخاب وکیل یا مشاور حقوقی در مرحله تحقیقات مقدماتی است. اعلام این حق، به فرد امکان می‌دهد که با استفاده از اطلاعات یک مشاور حقوقی، دفاعی متناسب تدارک ببیند و در جهت رفع اتهامات وارد تلاش کند. در اصل ه از اصول بنیادین نقش وکلا آمده است که دولت‌ها باید تضمین کنند مقامات ذیصلاح، افراد را در زمان توقیف یا زمانی که متهم به جرمی شده‌اند، از حق برخورداری از مساعدت وکیل آگاه کنند (بولوک، ۱۳۷۷: ۲۸-۹).

۱-۲-۱-۴- اعلام حق سکوت

حق دیگری که اطلاع دادن آن به فرد بازداشت شده ضروری است، حق سکوت است. متهم هیچ وظیفه‌ای در اعلام حقایق به مقامات قضایی ندارد، بلکه مقام تعقیب دعوی عمومی (دادستان) ملزم است که در صورت ایراد اتهام به افراد، ادله کافی علیه آنان جمع‌آوری کند و نمی‌تواند از طرف دعوی خود (متهم) انتظار همکاری داشته باشد و او را موظف به بیان حقایق سازد. در ماده ۱۱۱ لایحه جدید آیین دادرسی کیفری که در صدد بیان یکی از اصول دادرسی منصفانه است، چنین آمده: «متهم باید در اسرع وقت، به تفصیل از موضوع اتهام و ادله انتسابی آگاه شود. همچنین، در ماده ۱۹-۱۲۱ این لایحه در خصوص وظایف ضابطان در مرحله تحت نظر آمده است: ضابطان باید موضوع اتهام و ادله آن را بلافاصله و به طور کتبی به متهم ابلاغ کنند.

^۱ در ماده ۵-۱۱۱ لایحه جدید آیین دادرسی کیفری که ذیل فصل اول آمده و در صدد بیان یکی از اصول دادرسی منصفانه است، چنین آمده: «متهم باید در اسرع وقت، به تفصیل از موضوع اتهام و ادله انتسابی آگاه ... شود ضابطان باید موضوع اتهام و ادله آن را بلافاصله و: «... این لایحه در خصوص وظایف ضابطان در مرحله تحت نظر آمده است.»

در نظام حقوقی ایران با توجه به اصل ۳۸ قانون اساسی که هرگونه شکنجه برای اقرار گرفتن را ممنوع اعلام کرده است و متخلف از آن به موجب ماده ۵۷۸ قانون مجازات اسلامی، مجازات خواهد شد و با توجه به صراحت ماده ۱۲۹ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری مبنی بر چنانچه متهم از دادن پاسخ امتناع نماید، امتناع او در صورت مجلس قید خواهد شد...» تردید نیست که حق سکوت مورد تأیید قانونگذار ما قرار گرفته است. اما بین حق سکوت متهم و تکلیف پلیس یا مقامات قضایی در اعلام این حق، تفاوت وجود دارد و در قوانین ایران هیچگونه تکلیفی بر مقامات مذکور مبنی بر اعلام حق سکوت به متهم وجود ندارد؛ در حالی که همان طور که بیان شد، امروزه الزام اعلام این حق به متهم در قوانین دادرسی اکثر کشورهای دنیا به رسمیت شناخته شده است. لذا لازم است که قانونگذار ایرانی نیز در گام بعدی اصلاح آیین دادرسی کیفری، اعلام این حقوق به متهمان را در زمره وظایف ضابطان و مقامات قضایی قرار دهد.

در قوانین ایران در مورد اعلام سایر حقوق متهم، نظیر حق داشتن وکیل نیز هیچگونه تکلیفی بر عهده ضابطین و مقامات قضایی قرار ندارد. تکلیف در اعلام این حقوق نیز به صورت تصریحی لازم است.

۱-۲-۲- آگاه ساختن متهم به زبانی که او درک می‌کند

لازمه آگاه کردن متهم از حقوقش این است که اطلاعات مذکور به زبانی اعلام شود که متهم، ظاهراً لایحه جدید آیین دادرسی کیفری درصدد به رسمیت شناختن این حق است، در ماده ۶-۱۱۱ این لایحه چنین آمده است: «متهم، بزه‌دیده و شاهد باید از حقوق خود در فرایند دادرسی آگاه شوند و سازوکارهای رعایت و تضمین این حقوق فراهم شود». همچنین، در ماده ۱۰۱-۱۲۳ این لایحه آمده است: «متهم می‌تواند در مرحله تحقیقات مقدماتی، یک نفر وکیل دادگستری همراه خود داشته باشد. این حق باید پیش از شروع تحقیق توسط بازپرس به متهم ابلاغ و تفهیم شود؛ به موجب تبصره نیز سلب این حق یا عدم تفهیم این حق به متهم موجب بطلان تحقیقات می‌شود. همچنین، به موجب ماده ۲۱-۱۲۱ این لایحه، دامنه اعمال این حق تا مرحله تحقیقات ابتدایی ضابطان توسعه یافته است. با توجه به این نکات، تصویب این لایحه از این حیث می‌تواند گام مهمی در جهت رفع خلأهای قانونی موجود باشد.

۱-۲-۳- حق متهم خارجی در ارتباط با سفارتخانه و یا کنسولگری مربوط

یکی دیگر از حقوق متهمین در بازداشت این است که چنانچه متهم، خارجی باشد، به منظور استفاده از امکانات دفاعی که کشورها برای تبعه خود در نظر می‌گیرند، در اسرع وقت بتواند با

سفارتخانه و یا کنسولگری مربوط ارتباط برقرار کند و اگر این شخص خارجی، مهاجر و یا تحت حمایتیک سازمان بین‌المللی است، باید به او امکان ارتباط با سازمانهای بین‌المللی داده شود (ماده ۳۹ کنوانسیون وین در مورد روابط کنسولی) (تریانا^۱، ۲۰۰۹).

۱-۲-۴- حق فرد بازداشت شده در برقراری ارتباط با دنیای خارج از بازداشت

اشخاصی که بازداشت می‌شوند، حق دارند که فوراً با خانواده خود ارتباط برقرار کنند، به صورت مستقیم با وکیل درخواستی خود ملاقات کنند و پزشک معالیشان (غیر از پزشک زندان) آنها را معاینه کند. همچنین، اگر متهم خارجی است، حق دارد با مأمورین سفارتخانه یا کنسولگری متبوع خود در ارتباط مستقیم باشد و اگر مهاجر است، با مأمورین سازمانهای بین‌المللی ذیربط ملاقات کند. تجربه نشان داده است که می‌توان از ارتباط متهم با دنیای خارج از بازداشت به عنوان تضمین بسیار مهم و اساسی برای جلوگیری از نقض حقوق بشر و اعمال خشونت علیه متهم، نام برد؛ زیرا هرگاه متهم بتواند به راحتی با پزشک معالج شخصی خود ملاقات کند و یا سازمانهای غیردولتی بتوانند متهم را ملاقات کنند، به علت سهولت انتقال اطلاعات به بیرون از زندان، امکان شکنجه و لطمات جسمانی به حداقل کاهش می‌یابد.

۱-۲-۵- لزوم معقول بودن مدت بازداشت

یکی دیگر از تضمینات حقوق متهم، مذکور در اسناد بین‌المللی که از جمله در بند ۳ ماده ۵ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و در بند ۳ ماده ۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی آمده است، رعایت «مهلت معقول» چه در مرحله دادرسی و چه در مرحله تحقیقات مقدماتی و بازداشت اشخاص است. بدین ترتیب، مقام تحقیق نمی‌تواند با استناد به اینکه تحقیقات پایان‌پذیرفته است، تا هر زمان که لازم دانست، فرد را در بازداشت نگه دارد و به تحقیقات خود ادامه دهد.

تعیین ضابطه این که چه مهلتی، مهلت معقول به شمار می‌رود، امر مشکلی است و این مهلت می‌تواند از قضیه‌ای تا قضیه دیگر فرق کند. بعضی از عناصری که می‌توانند در تعیین این مهلت مؤثر باشند، عبارتند از: شدت و میزان جدیت اتهاماتی که به فرد وارد شده‌اند، ماهیت و میزان مجازات احتمالی فرد و میزان خطرناکی متهم چنانچه آزاد شود و یا احتمال فرار متهم. به این عوامل باید میزان جدیت مقامات قضایی و پیچیدگی و ویژگیهای خاص موجود در تحقیقات نیز افزوده شود. همچنین، رفتار شخص متهم، نظیر عدم همکاری او با مقامات قضایی و عدم حضور در جلسه دادرسی می‌تواند به طولانی شدن تحقیقات و تبعاً به طولانی شدن بازداشت کمک کند و در عین حال هم مهلت معقول به حساب بیاید. نظر کمیسیون اروپایی حقوق بشر از خلال

¹. Triyana

تصمیمات متعدد بر این بوده است که «مهلت معقول» مفهومی مبهم است که فقط با لحاظ اوضاع و احوال هر مورد خاص باید بررسی شود. کمیسیون، عوامل هفتگانه ذیل را برای بررسی معقول بودن مدت بازداشت مدنظر قرار داده است: «طول مدت بازداشت»، «مدت بازداشت در ارتباط با نوع جرائم»، «آثار مادی و معنوی بازداشت نسبت به متهم»، «رفتار متهم»، «پیچیدگی‌های ناظر به تحقیقات مقدماتی»، «شیوه اقدام به تحقیقات مقدماتی» و «رفتار قضایی در ارتباط با بررسی تقاضای فک قرار بازداشت» (آشوری، ۱۳۸۳: ۳۱۶).

دیوان اروپایی حقوق بشر در دعاوی متعددی که در این زمینه مطرح شده، ضوابطی را برای تعیین مهلت معقول مورد استفاده قرار داده است؛ به گونه‌ای که او هنگام بررسی شکایات افراد، به ادله ارائه شده از سوی کشورها (مشتکی عنهم) در توجیه ادامه بازداشت و طولانی شدن آن توجه و بررسی می‌کند که آیا از لحاظ حقوق داخلی آن کشور در قضیه مطرح شده، منفعتی عمومی وجود داشته است که طولانی شدن بازداشت را توجیه کند یا خیر. ثانیاً، چنانچه از لحاظ حقوق داخلی چنین ضرورتی وجود داشته است، باز دیوان بررسی می‌کند که آیا عملاً امکان خودداری از تأخیر در محاکمه و کوتاه کردن زمان بازداشت وجود داشته است یا خیر (موردوچ^۱، ۱۹۹۹) و با سنجش جوانب مختلف قضیه، از جمله تعداد متهمین، شرکا، معاونین، حجم پرونده و... طولانی شدن تحقیقات را موجه یا غیرموجه اعلام می‌کند (طه و اشرافی، ۱۳۸۶: ۴۵).

در نظام حقوقی ایران، مفهوم «مهلت معقول» تصریحاً مورد حکم قانونگذار قرار نگرفته و در هیچ متنی به آن اشاره نشده است؛ اما در قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری در مورد قرار بازداشت دو الزام قانونی وجود دارد که نشان‌دهنده آن است که مقنن سعی در محدود کردن مدت بازداشت داشته است.

۱-۲-۶- شرایط بازداشت باید انسانی باشد

یکی دیگر از تضمیناتی که برای بازداشت‌شدگان در نظر گرفته شده و در اسناد بین‌المللی نیز بدان اشاره گردیده، انسانی بودن شرایط بازداشت است، به این معنا که بازداشت باید صرفاً متهم را از آزادی تردد و رفت‌وآمد محروم کند و تأثیری در سایر حقوق انسانی او نداشته باشد و مقامات زندان مکلف به تهیه حداقل وسایل رفاهی برای بازداشت‌شدگان هستند.

۲- اصول و ضوابط ناظر بر حق دفاع متهم در مرحله تحقیقات ابتدایی

همان گونه که اشاره شد، آیین دادرسی کیفری درصدد برابر ساختن موضع متهم و نهاد تعقیب

^۱. murdoch

دادسرا) به عنوان دو طرف درگیر در یک فرایند کیفری است. به این منظور، حقوق، امتیازات و توانایی‌هایی را برای متهم به رسمیت می‌شناسد که از طریق اعمال آنها زمینه دفاع از متهم فراهم شود. به مجموعه این حقوق و امتیازات که در سرتاسر فرایند کیفری شاهد آنها هستیم، «حقوق دفاعی متهم» می‌گویند. در این قسمت از پژوهش، به اهم حقوق دفاعی متهم در مرحله تحقیقات ابتدایی می‌پردازیم و از این رهگذر، قوانین و مقررات جاری در کشورمان را نقد و بررسی می‌کنیم.

۲-۱- حق استفاده از مشاوره و خدمات حقوقی

امروزه یکی دیگر از حقوق متهمین در مرحله تحقیقات مقدماتی، حق استفاده از وکیل و یا مشاور حقوقی است که این حق نیز باید در ابتدای مرحله تحقیقات مقدماتی به او اعلام شود؛ هرچند در طول تاریخ حقوق، استفاده از وکیل در مرحله تحقیقات مقدماتی همواره با ایراداتی مواجه بوده است. از جمله براساس ماده ۱۸ فرمان بزرگ کیفری اوت ۱۹۷۰ لویی چهاردهم: متهمان هر که باشند باید به زبان خود سخن گویند؛ بدون حضور و استفاده از وکیل مدافع (آشوری، ۱۳۸۳: ۳۱۶). اما به تدریج و با گریز از سیستم تفتیشی صرف و گام نهادن در مسیر سیستم اتهامی، متهمین حق استفاده از وکیل را در مرحله تحقیقات مقدماتی و حتی در مرحله تحقیقات ابتدایی پلیس پیدا کردند.

هرچند حق استفاده از یک مشاور حقوقی در مرحله تحقیقات مقدماتی تصریحاً در کنوانسیون حقوق مدنی و سیاسی یا کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و... نیامده است، اما بنا به تعبیر کمیته حقوق بشر، حق افراد در عادلانه بودن دادرسی، اقتضای آن را دارد که متهم بتواند در مرحله تحقیقات، بازجویی‌ها و در مرحله بازداشت از مشاوره حقوقی استفاده کند.

۲-۲- حق سکوت متهم

یکی از حقوق اساسی متهم در مرحله بازجویی، حق سکوت است. دیوان اروپایی حقوق بشر در مورد این حق چنین نظر داده است: هرچند که این حق به نحو خاص در ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر ذکر نشده است، اما هیچ تردید نیست که حق سکوت در برابر سؤالات پلیس، یکی از استانداردهایی است که در قلب مفهوم دادرسی منصفانه مندرج در ماده ۶ کنوانسیون قرار دارد (مورای^۱، ۱۹۹۶).

۲-۳- لزوم ثبت دقیق بازجویی‌ها

مطالب حاصل از بازجویی باید دقیقاً ثبت شوند. مدت زمان هر بازجویی باید دقیقاً در دفتری ثبت

^۱ Murray

گردد، زمانی که متهم از بازداشتگاه تا محل بازجویی آورده می‌شود، ثبت شود. مطالب مذکور باید به تأیید متهم نیز رسیده باشد. علت این امر جلوگیری از سوءاستفاده احتمالی بازجویان و مقامات تحقیق است؛ زیرا گاهی متهم در بازجویی خود مطالبی را بیان می‌کند که توجه به آنها باعث کشف حقیقت می‌شود و طبیعتاً عدم درج و یا حذف آنها از صورت جلسه بازجویی، در آینده و سرنوشت پرونده و تصمیم قضایی مربوط مؤثر خواهد بود. همین وضعیت در مورد اظهارات شهود و مطلعین پرونده نیز صدق می‌کند. ثبت و درج مدت زمان بازجویی نیز به منظور آن است که متهم در ساعات غیرمتعارف شبانه‌روز مجبور به پاسخگویی به سؤالات نشود؛ زیرا گاهی بازجویی‌های شبانه و بسیار طولانی، خود نوعی شکنجه به حساب می‌آیند. همچنین، ثبت مدت زمانی که متهم از بازداشتگاه تا محل بازجویی آورده می‌شود، به عنوان عاملی بازدارنده از سوءاستفاده‌های احتمالی در این فاصله است؛ به گونه‌ای که طولانی شدن این زمان می‌تواند ادعای متهم مبنی بر اینکه در این فاصله، وی را به مکان نامعلومی برده و تهدید یا شکنجه کرده‌اند، تقویت کند.

۱، در ماده ۲۹-۱۲۱ لایحه جدید آیین دادرسی کیفری آمده است: «ضابطان دادگستری مکلفند اظهارات شخص تحت نظر، علت تحت نظر بودن، تاریخ و ساعت آغاز آن، مدت بازجویی، مدت استراحت بین دو بازجویی و تاریخ و ساعتی را که شخص نزد قاضی معرفی شده، در صورت مجلس قید و آن را به امضا با اثر انگشت او برسانند. ضابطان همچنین مکلفند تاریخ و ساعت آغاز و پایان تحت نظر بودن را در دفتر خاصی ثبت و ضبط کنند».^۴

۲-۴- وجود یک مترجم در مرحله بازجویی

یکی دیگر از لوازم و اقتضائات دادرسی عادلانه آن است که متهم از محتوا و ماهیت اتهامات وارد به خود آگاه شود و از جریان مذاکرات دادگاه و ظرافت‌های لفظی این مذاکرات مطلع گردد. این امر اقتضای آن را دارد که یا متهم، زبان دادگاه را درک کند و یا مطالب برای او ترجمه شود. طبیعی است که برخورداری از این حق صرفاً به مرحله تحقیقات مقدماتی اختصاص ندارد، بلکه مرحله رسیدگی را هم در برمی‌گیرد. این حق در اسناد حقوق بشری سابق‌الذکر نیز مورد تصریح واقع شده است. از جمله در بند ۳ ماده ۱۶ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی در خصوص مرحله تحقیقات مقدماتی آمده است: «هر کس متهم به ارتکاب جرمی می‌شود، باید در اسرع وقت، به تفصیل و به زبانی که او بفهمد، از نوع و علل اتهامی که به او نسبت داده می‌شود، مطلع گردد».

۲-۵- لزوم رعایت فرض برائت در مرحله بازجویی

فرض برائت، سنگ بنای مفهوم دادرسی عادلانه است. به عبارت بهتر، یکی از اقتضائات و لوازم اولیه و اساسی دادرسی عادلانه که از قدمتی بیش از سایر اصول دادرسی عادلانه برخوردار است، رعایت فرض برائت است. ماده یازدهم اعلامیه جهانی حقوق بشر، بند ۲ ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، بند «۵» از ماده نوزدهم اعلامیه اسلامی حقوق بشر و بند ۲ ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، از جمله اسناد جهانی و منطقه‌ای هستند که این فرض را مورد تصریح قرار داده‌اند. علاوه بر اسناد بین‌المللی، امروزه این اصل در قوانین اساسی و آیین دادرسی کیفری اکثر کشورها تجلی خاصی دارد. از جمله در کشور ما، اصل سی‌وهفتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مقرر می‌دارد: «اصل، برائت است و هیچ کس از نظر قانون مجرم شناخته نمی‌شود، مگر اینکه جرم او در دادگاه صالح ثابت شود».

۲-۶- حاضر کردن فوری متهم نزد یک قاضی یا افسر پلیس قضایی

به منظور تضمین حق آزادی اشخاص در برابر بازداشت‌های خودسرانه و به منظور جلوگیری از نقض حقوق بنیادین اشخاص، هرگونه بازداشتی باید تحت نظارت و کنترل مقام قضایی صورت گیرد و چنانچه فردی در حین ارتکاب جرم مشهود دستگیر شده باشد، باید فوراً نزد مقامات قضایی حاضر شود تا راجع به بازداشت او اظهار نظر شود. به طور کلی، اهداف حاضر کردن اشخاص نزد یک مقام قضایی یا افسر پلیس قضایی را می‌توان به شرح زیر بیان کرد:

الف) بررسی این که آیا ادله کافی برای بازداشت فرد وجود دارد.

ب) بررسی این که آیا بازداشت فرد قبل از محاکمه ضرورتی دارد یا خیر.

ج) تضمین این که بازداشت بهتر و مناسب‌تر انجام شود

د) جلوگیری از نقض حقوق بنیادین متهم.

۲-۷- لزوم اعطای مهلت و امکانات مناسب برای تهیه و ارائه دفاع

چنانچه متهم در مرحله تحقیقات مقدماتی به منظور تهیه و یا تکمیل دفاعیه خود، فرصت مناسبی را درخواست کند، مقام قضایی باید پس از اینکه این فرد را از اتهامات خود به نحو کامل مطلع کرد و اطلاعات مربوط به پرونده را کاملاً در اختیار او قرار داد، مهلت مناسبی برای تدارک دفاع به این فرد بدهد.

۲-۸- لزوم وجود دستور مقام قضایی برای احضار و جلب متهم و یا بازرسی اماکن

پس از تشکیل پرونده کیفری صرفاً در فرضی که دلایل کافی برای احضار یا جلب متهم موجود باشد، می‌توان او را احضار کرد و این احضار یا جلب نیز صرفاً توسط مقام قضایی صورت خواهد

گرفت. در مورد بازرسی اماکن باید بین منازل و اماکن عمومی و یا محل کار قائل به تفکیک شد؛ به گونه‌ای که در بازرسی منازل احتیاط بیشتری از سوی مقام قضایی صورت گیرد و از جمله بازرسی منزل فقط در روز انجام شود و یا قبل از ورود به منزل، صاحب خانه یا سایر اشخاص مقیم در آن جا مطلع شوند.

۲-۹- قرارهای تأمینی محدودکننده آزادی و پذیرش حق اعتراض متهم نسبت به آنها

در یک پرونده کیفری، پس از تفهیم اتهام به متهم، مقام قضایی برای اطمینان خاطر از حیث دسترسی داشتن به متهم و حاضر گردیدن او برای بازجویی و دادرسی و اجرای حکم و همچنین، با هدف جلوگیری از امحای آثار جرم و دلایل آن و پیشگیری از تبانی متهم با شهود و مطلعان، متأسفانه مشابه همین حکم در ماده ۱۰-۱۲۳ لایحه جدید آیین دادرسی کیفری تکرار شده است؛ قرارهایی موسوم به «قرار تأمینی» صادر می‌کند. این تصمیم قضایی گاه منجر به بازداشت متهم می‌شود و گاه شدتش کمتر است و تنها به ملتزم شدن متهم به عدم خروج از کشور یا حوزه قضایی خاص و یا اجبار او به معرفی کفیل و یا ایداع وثیقه منتهی می‌گردد (۲۰: ۸). هم‌اکنون مواد ۱۳۲ به بعد قانون آیین دادرسی کیفری و همچنین، موادی از قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب، انواع قرارهای تأمینی را بر شمرده‌اند و احکام ناظر بر آنها را بیان کرده‌اند. یکی از اصول حاکم بر این قرارها، لزوم تناسبشان با اهمیت جرم و شدت مجازات و دلایل و اسباب اتهام انتسابی است. یکی دیگر از اصول حاکم بر قرارهای تأمینی، آن است که چون برخی از این قرارها علی‌رغم حاکمیت فرض برائت در مرحله تحقیقات مقدماتی باعث سلب آزادی متهم می‌شوند، وی بتواند نسبت به آنها اعتراض کند و به این اعتراض، نزد مرجع دیگری غیر از مرجع صادرکننده قرار رسیدگی شود.

۲-۱۰- حق متهم بر جبران خسارات ناشی از اشتباهات قضایی در مرحله تحقیقات مقدماتی

لزوم جبران خسارت از بازداشت‌شدگانی که در مرحله رسیدگی تبرئه می‌شوند و یا پس از اعتراض، بازداشت آنها مرتفع می‌شود، از الزاماتی است که می‌تواند قضات تحقیق را در صدور قرار بازداشت محتاط‌تر سازد و متهمین را به اعتراض بر قرارهای صادره تشویق کند. این امر (لزوم جبران خسارت دیر زمانی است که در قوانین کشورهای مترقی جای خود را باز کرده است (مسعود، ۱۳۷۴). و امروزه دولتها مکلف به جبران خسارت بازداشت‌شدگان بی‌گناه هستند (آشوری، ۱۳۷۵: ۲۰۳).

حق جبران خسارت بازداشت‌شدگان بی‌گناه که امروزه در اسناد بین‌المللی متعددی به صراحت قید شده و رویه‌های قضایی نیز در خصوص آن شکل گرفته است (آشوری و همکاران، ۱۳۸۳: ۳۲۱)، در قوانین عادی و رویه قضایی ایران جایگاه خاصی ندارد و دولت با توسل به عدم مسؤولیت دادسرا، از جبران خسارت طفره می‌رود.

۳. ضمانت اجرای نقض معیارهای دادرسی عادلانه

ضمانت اجراء عبارت است از پاسخ‌ها یا واکنش‌های مختلف قانونی و بین‌المللی در قبال ارتکاب جرم و نابهنجاری اجتماعی که جلوه‌های گوناگونی دارد.

۳-۱- ضمانت اجرای ملی (داخلی)

در این مبحث، به بیان پاره‌ای از انواع پاسخهای کیفری در حقوق کیفری در ایران که در موارد نقض اصول دادرسی عادلانه وضع شده، خواهیم پرداخت.

۳-۱-۱- قانون اساسی

بند‌های ۴ و ۵ اصل ۵۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران یکی از وظایف و رسالت‌های مهم قوه قضائیه را تعقیب، محاکمه، محکومیت و مجازات بزهکاران و نیز اصلاح و درمان آنان می‌داند. همچنین، در اصل ۳۶ قانون اساسی ایران مقرر می‌دارد: «حکم به مجازات و اجرای آن تنها از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون باشد». لذا، با عنایت به مقررات مذکور در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و مقررات مشابه دیگر در کنوانسیونهای بین‌المللی خصوصاً مواد ۶ و ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مصوب ۱۹۶۶ سازمان ملل، می‌توان گفت که هیچ‌متهم و یا مجرمی را نمی‌توان بدون مجوز قانونی و بدون دادرسی عادلانه و منصفانه و صدور حکم محکومیت قطعی از دادگاهی که مطابق قانون تشکیل گردیده، مجازات نمود. در غیراینصورت، مجازات اعمال شده از مصادیق بارز مجازاتهای خودسرانه، ظالمانه و مغایر با حیثیت و کرامت انسانی خواهد بود. بنابراین، چنانچه شخص و یا اشخاصی عمداً و به طور خودسرانه مجرمی را به کیفر برسانند، ولو اینکه این شخص و یا اشخاص، خودمجنی علیه و یا اقوام و خویشان او باشند، خود مجرم و مستحق مجازات هستند (رحیمی‌نژاد، ۱۳۹۵: ۱۹۰-۱۹۱).

۳-۱-۲- قانون مجازات اسلامی

این مساله در قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ (آشوری، ۱۳۷۹: ۳۲) و پس از آن در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ نیز مورد توجه قانونگذار قرار گرفته است. به موجب ماده ۱۳ قانون اخیرالذکر، پیش‌بینی شده است: «مجازات یا اقدامات تامینی و تربیتی و اجرای آنها حسب مورد نباید از میزان

و کیفیتی که در قانون یا حکم دادگاه مشخص شده است، تجاوز کند و هرگونه صدمه و خسارتی که از این جهت واصل شود، در صورتی که از روی عمد یا تقصیر باشد، حسب مورد موجب مسئولیت کیفری و مدنی است و درغیراینصورت، خسارت از بیت‌المال جبران می‌شود.

۳-۱-۳- قانون آیین دادرسی کیفری

شکل‌گیری فرآیند دادرسی کیفری بر پایه اصول و مبانی خواهد بود که نه تنها استمرار و جریان قانونمند این فرآیند را به دنبال خواهد داشت، بلکه صحت و اعتبار تحقیقات و ادله جمع‌آوری شده در این فرآیند را تضمین خواهد کرد. اگر بپذیریم اصولیادین، اصول کلی و دایمی هستند که منشاء وضع قواعد حقوقی و نماینده ارزشهای حقوقی حاکم بر اجتماع قلمداد می‌شوند، باید اجرای آنها از سوی دولت، تضمین و تأمین شود. شناسایی و تأمین ضمانت‌های اجرایی مختلف و حسن جریان این اصول به ویژه در مرحله تحقیقات مقدماتی واجد اهمیت است، چراکه «اصول حقوقی بر مبانی حقوق تکیه زده و نماینده ارزشهای نظام حقوقی هستند؛ مفاهیمی کلی که از تضمین اجتماعی نیرومندی بهره می‌برند و قانونگذار و دادرس را به رعایت آنها وامی‌دارند.

بنابراین، تحقق اهداف قانونگذار و به طور کلی، حقوق که همان استقرار نظم و تنظیم روابط اجتماعی است، می‌طلبد که حاکمیت دولت برای پشتیبانی از قاعده به جریان افتد. تحقق اهداف حقوق در اجتماع، یعنی استقرار نظم و تنظیم روابط اجتماعی تابع آن حقوق ایجاب می‌کند که قواعد و اصول حقوقی از حمایت سیاست‌گذاران حاکمیت برخوردار بوده و پشتیبانی دولتها را با خود داشته باشند. در این راستا، عملکرد اصول بنیادین نیز از طریق پیش‌بینی ضمانت‌های اجرایی مربوط به جریان دادرسی و همچنین، ضمانت‌های اجرایی مربوط به نقض‌کنندگان اصول تأمین می‌شود.

۳-۱-۴- قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی

توجه به حریم خصوصی افراد، به عنوان یکی از مصادیق اصلی حقوق بشر، از توجه به منزلت انسانی و ارزشهای مبتنی بر انواع آزادی‌ها نشأت گرفته است. این موضوع امروزه به یکی از مباحث مهم در جامعه اطلاعاتی و حقوق مربوط به آن تبدیل شده است. حریم خصوصی از جمله حقوقی به شمار می‌رود که لازم است تمامی انسانها در هر حکومتی با آن آشنا باشند، زیرا با آگاهی از حریم خصوصی، حقوق شهروندی رعایت خواهد شد و در نهایت، سبب آرامش ذهنی عموم مردم و امنیت روانی آنها می‌شود. امروزه، با گسترش وسایل ارتباط جمعی و استفاده از امکاناتی نظیر شبکه‌های اجتماعی، مرز بین حریم خصوصی و عمومی بسیار باریک شده است. چنین اتفاقی در جامعه‌ای سنتی مانند ایران که حریم خصوصی افراد در آن اهمیت فراوانی دارد، بسیار

حساسیت برانگیز است. هرچند که به رعایت حریم خصوصی در بند نهم منشور حقوق شهروندی توجه شده است، ولی برای تحقق این هدف، ابتدا باید منشور حقوق شهروندی به قانون تبدیل شود تا این اصل کاربردی تر شود.

نتیجه گیری

برای تحقق دادرسی عادلانه نیازمند رعایت اصول شکلی و ماهوی بوده که هر کشور بنا بر نوع نظام حقوقی اش باید زمینه مناسب برای تحقق این اصول فراهم نماید. در اسناد بین‌المللی این اصول در دو بُعد جهانی و منطقه‌ای منعکس شده‌اند. در واقع، این حوزه‌ای است که محل تلاقی حقوق بشر و حقوق کیفری محسوب می‌شود. حقوق بشر رعایت قواعد و مقرراتی را برای مجموعه انسان‌ها فارغ از تفاوت‌های فردی و اجتماعی مقرر می‌کند. طرح این حقوق در بُعد کیفری در اسناد بین‌المللی باید همراه با التزام دولتها به رعایت آن باشد و گرنه صرف وجود متون قانونی چاره‌ساز نخواهد بود. مرحله تحقیقات ابتدایی را می‌توان مهم‌ترین مرحله فرایند کیفری دانست؛ زیرا پایه و اساس یک پرونده کیفری در این مرحله شکل می‌گیرد. توجه به دو نکته اساسی در این مرحله ضروری است: اول آن که به منظور حفظ و اعاده نظم عمومی مخدوش شده به واسطه ارتکاب جرم، مقامات تعقیب ضابطان باید تمام تلاش خود را صرف کشف حقیقت و ایجاد زمینه مناسب برای اجرای عدالت کنند. طبیعی است به منظور جلوگیری از فرار مجرمان واقعی و یا امحای ادله و موارد مشابه، این مرحله باید با حساسیت خاص و گاه به صورت محرمانه و غیرعلنی انجام شود. نکته دوم و مهم‌تر آن است که در این مرحله هنوز مجرمیت شخص تحت تعقیب محرز نشده و لذا، باید در پرتو حاکمیت فرض برائت گام برداشت و به بهانه حفظ نظم عمومی، بی‌جهت امکان سلب حقوق و آزادی‌های فردی فراهم نگردد. در این راستا، مرحله تحقیقات ابتدایی از اهمیت و حساسیت خاصی برخوردار است و هنر، آن است که مقنن و دستگاه عدالت کیفری بتوانند دو مصلحت فوق‌الذکر را توأمان مدنظر قرار دهند. این نکته باعث شده تا قسمت عمده معیارها و ضوابط دادرسی منصفانه و تضمین‌های ناظر بر آن‌ها، به مرحله تحقیقات ابتدایی اختصاص یابد. در مقاله حاضر سعی شد ضمن تبیین اهمیت این مرحله، معیارها و ضوابطی که اسناد بین‌المللی و یا رویه قضایی کشورها ایجاد کرده‌اند، بیان شوند و با دیدگاهی تطبیقی به وضعیت نظام حقوقی ایران در این زمینه نگریسته شود. در وضعیت کنونی نیز علی‌رغم پذیرش برخی پایه‌ها و اصول دادرسی عادلانه در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و قوانین عادی، نظیر پذیرش فرض برائت و حق دسترسی به وکیل، هنوز تا دسترسی به نقطه مطلوب و پذیرش اصل تساوی سلاح‌ها در مرحله تحقیقات ابتدایی فاصله داریم. برخی تلاش‌های تقنینی نافرجام در سال‌های اخیر صورت گرفته است. از جمله طرحی در مجلس شورای اسلامی «طرح قانونی حمایت از حقوق متهمان و

محکومان» تحت عنوان مطرح شد و یا تلاشی برای اصلاح ماده ۱۲۸ قانون آیین دادرسی کیفری صورت گرفت که احترام به آزادی‌های مشروع» هیچ کدام رهاوردی برای نظام حقوقی ما در پی نداشت. قانون نیز که برخی از معیارهای دادرسی عادلانه را ذکر کرده، فاقد ضمانت «و حفظ حقوق شهروندی اجراهای مناسب است. بنا به مراتب فوق، ضروری است که مقنن در گام بعدی تقنین در حوزه آیین دادرسی کیفری، نواقص و خلأهای مربوط به مرحله تحقیقات ابتدایی را رفع کرده، این مرحله را هر چه بیش تر با ضوابط و معیارهای دادرسی منصفانه هماهنگ کند.

تشکر و قدردانی

پژوهشگران، از عزیزانی که در فرآیند ویراستاری ادبی و صفحه‌آرایی این مقاله همکاری و راهنمایی داشتند، کمال تشکر و امتنان را دارند.

منابع

- استفانی، لواسور، بولوک (۱۳۷۷). **آیین دادرسی کیفری**، ج ۲، ترجمه حسن دادبان، انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.
- بولوک، برنار (۱۳۷۷). **کیفر شناسی**، ترجمه علی حسین نجفی ابرند آبادی، ج ۲، تهران، مجد.
- امید، جلیل (۱۳۸۲). «**دادرسی کیفری و حقوق بشر**»، مجلس و پژوهش، ۱۰ (۳۸).
- آشوری، محمد (۱۳۷۹). **آیین دادرسی کیفری**، ج ۲، انتشارات سمت.
- آشوری، محمد و همکاران (۱۳۸۳). **حقوق بشر و مفاهیم مساوات، انصاف و عدالت**، نشر گرایش.
- طه، فریده و لیلا اشرافی (۱۳۸۶). **دادرسی عادلانه**، نشر میزان.
- مسعود، غلامحسین (۱۳۷۴). **آیین دادرسی کیفری (قرارهای محدود کننده آزادی)**، انتشارات امیرکبیر.
- رحیمی نژاد، اسماعیل (۱۳۹۵). **کرامت انسانی در حقوق کیفری**، تهران، میزان.
- Kelly V. Jamaica, (1991). **Report of the HRC**, (A/46/40), (253/1987) 8 April 1991, available at: <http://www.amnesty.org>.
- Fox, Campbell and Hartley (18/1989/178/234-236) 30 August 1990 available at: <http://www.amnesty.org>.
- Heribertus Jaka Triyana (2009). **The Application of International Standards for Fair Trial for Prosecution of Gross Violations of Human Rights in the Indonesian Criminal Proceedings**, Asia Law Quarterly. Vol. 1, No.1 : 105-122.
- Murdoch, JL, (1999). **Article 5 of the European Convention on Human Rights (the protection of liberty and security of person)**, Counsel of Europe Publishing, 1999.
- Brogan et .al V. United Kingdom, 29 November 1988.
- Murray V. United Kingdom, (41/1994/488/570) 8 February 1996.
- MC Lawrence V. Jamaica, Un Doc.CCPR/c/60/D/702/1996,29 septembre 1997.